

نگاهی دوباره به سریال امام علی (ع) شاهکار داوود میرباقری که این روزها در حال بازپخش است

علی شریعتی پشت دوربین



میلاذ جلیلزاده

روزنامه‌نگار

«کوه بلند را مانم که سیلاب از ستیغ من ریزان است و مرغ از پریدن به قله‌ام گریزان». این جمله‌ای در وصف امیرمؤمنان علی‌ابیطالب از زبان خود اوست که در حقیقت بر نیایب بودن وصف او دلالت دارد. حتی شعرا هم معمولاً او را ستایش می‌کنند، نه توصیف و حقیقتاً جگر می‌خواست که کسی درباره چنین شخصیتی یک سریال تلویزیونی بسازد.

سه‌شصت‌هفت ساله ۲۱ آبان ۱۳۷۰ بود که فیلمبرداری این سریال در شهرک سینمایی غزالی کلید خورد. در اولین سکانس که جلوی دوربین ۳۵ میلی‌متری مرحوم مازیار پرتو رفت، مروان بن حکم (اصغر همت) برای مخالفان خلیفه سوم، خط و نشان می‌کشید. محمد هاشمی، رئیس وقت سازمان صداوسیما هم در اولین جلسه فیلمبرداری حضور داشت. معلوم نیست چرا خیلی از کسانی که طی این سال‌ها سریال «امام علی (ع)» را بازخوانی کرده‌اند، ساخت این مجموعه را به دوره علی لاریجانی نسبت می‌دهند؛ حال آنکه او تازه دو سال بعد رئیس صداوسیما شد. ساخت سریال امام علی، پنج سال طول کشید و اصلاً این جمله را نمی‌شود درباره‌اش درست دانست که «وقتی این مجموعه کلیدی می‌خورد؛ هیچ کس فکرش را نمی‌کرد که به یکی از خاطره‌سازترین سریال‌های تلویزیون تبدیل شود». اتفاقاً چیزی که ساخت سریال امام علی را مشکل می‌کرد، توقعات بالایی بود که درباره آن وجود داشت. شاید به خاطر ترس از چنین توقعاتی بود که کسی چندان جرات نمی‌کرد سراغ این موضوع برود و این البته ترس عاقلانه‌ای است.

می‌گویند وقتی داوود میرباقری پشت دوربین سریال امام علی رفت، یک جوان ۳۳ ساله بود و این عجیب است که به کسی با این سن وسال برای ساخت چنین پروژه‌ای اعتماد می‌شود. حالا که نزدیک به سه دهه از آن روزها می‌گذرد، اتفاقی توانیم نتیجه بگیریم که اگر کار به جوانان نمی‌سپردند، یک راه جدید در فیلمسازی و سریال‌سازی ایران باز نمی‌شد. با سریال امام علی بود که مسیر سریال‌سازی تاریخی-مذهبی در ایران هموار شد. دو مجموعه «تنهاترین سردار» درباره امام حسن مجتبی (ع) و «ولایت عشق» درباره امام رضا (ع)، هر دو به کارگردانی مهدی فخیم‌زاده، پس از آن بود که توانستند جلوی دوربین بروند و البته هیچ کدام جذابیت کارهای میرباقری را نداشتند. میرباقری آخوندزاده‌ای بود که خودش هم دو سال درس طلبگی خوانده است. او وقتی دانشجوی مهندسی در دانشگاه شریف بود، شیفته دکتر شریعتی شد و از ادبیات و نگاه شریعتی به شدت تاثیر گرفت. این تجربیات میرباقری که به دوران قبل از فیلمسازی او یا حتی فعالیت‌های تئاتری اش برمی‌گردد، او را یگانه‌کننده کرد که می‌توانست سریالی مثل امام علی بسازد. این یک ژانر است که تنها فیلمساز فعال در آن، تابه‌حال خود داوود میرباقری بوده و معجونی است از ادبیات طلبگی، تئاتر روحی و سنتی ایران، تعزیه، ادبیات فارسی خصوصاً سبک‌های عراقی و هندی،



نگاه‌های سیاسی و تاریخی و البته متلک‌شناسی عامیانه که گاه بسیار حکیمانه هم هست. بهترین نمونه این ژانر هنوز و همچنان سریال امام علی است؛ چون موقع ساخت «مختارنامه»، توسط مدیران وقت صداوسیما، دخل و تصرفاتی در فیلمنامه شد که اجازه‌دهی را از میرباقری تا حدی می‌گرفت؛ هرچند همان مجموعه دخالت‌شده هم فوق‌العاده بود.

دانا به یک اشاره

معادل‌سازی از شخصیت‌های صدر اسلام برای بیان مسائل سیاسی روز، کاری است که قبل از انجام آن توسط میرباقری در مدیوم سینما، علی شریعتی آن را در قالب خطابه‌هایش انجام داده بود و کتاب «ابودر» نمونه شاخص آن است. اگر خوب به مجموعه امام علی دقت کنیم، به شدت سیاسی است و اتفاقاً با مسائل امروز جامعه‌ماسروکار دارد؛ اما خالی از متلک‌پراکنی‌های تاریخ‌مصرف‌دار، به جزئیات اخبار روز است و برای همین، ادبیات آن حفظ شده و همچنان مضامینش مصداق پیدا می‌کنند. مثلاً می‌شود به دو سکانس متوالی از قسمت نهم سریال امام علی دقت کنیم که در اولی پسر امام به مزرعه می‌آید تا خیر انتصاب پدرش به سمت والی کوفه را ببیند. پسرک می‌گوید وقتی خبر را شنیده، از یکی پرسیده که والی یعنی چه و جواب شنیده است یعنی امیر، پسر جان! پسر امامه تمام راه را برای دادن این خبر به پدرش با پای برهنه دیده است و وقتی با پدر صحبت می‌کند و اینها را می‌گوید، روی زمین نشسته و کف پا را در دست گرفته تا خاری را از آن بیرون بکشد. وقتی امامه می‌خواهد بلند شود تا به مسجد برود و حکم ولایت کوفه را از عمار یاسر بگیرد، این پسر

از پدرش می‌پرسد؛ برایم زرد تسمه چرمی می‌خری؟ امامه در حالی که بلند می‌شود، محکم می‌گوید نه. پسرک می‌پرسد امیرزاده پاره‌پاره تابه‌حال دیده‌ای؟ امامه پاسخ می‌دهد در دولت علی معجزه‌ها می‌بینی تو بچه جان! والی پاره‌پاره دیده‌ای؟ اما در سکانس بعد می‌بینیم که دسیسه‌اشراف به همراه حماقت عده‌ای از اهالی کوفه که بعدها به خوارج پیوستند، اجازه نداد والی منصوب امیرالمؤمنین حتی از منبر مسجد کوفه بالا برود.

برای همین دو سکانس می‌شود در دهه‌های ۶۰، ۷۰، ۸۰ و ۹۰ خردمان معادل‌های سیاسی متفاوتی پیدا کرد و این با متلک‌پراکنی‌های تاریخ‌مصرف‌دار که مثلاً در طنزهای شبانه یا چیزهایی از این دست می‌بینیم، فرق دارد. دیالوگ‌های مجموعه امام علی هم نمونه بی‌همتایی از دیالوگ‌نویسی در تاریخ فیلم و سریال ایران هستند. این دیالوگ‌ها را داوود میرباقری و مرحوم حسین پناهی با صرف وقت و زمان فراوان نوشته‌اند. جنبه ادبیانه‌ی گفت‌وگوها که دارای استحکام لفظ بالایی است و بنا به یک اصطلاح طلبگی، «لحن علمایی» دارد، از خود داوود میرباقری آمده بود، اما حسین پناهی بی‌اینکه از این استحکام لفظ بکاهد، آنها را به فهم عوام نزدیک‌تر کرد. با اشعار سهل و ممتنع حسین پناهی خیلی از ایرانی‌ها آشنا هستند. او در اشعارش گاهی چوپانی را به تصویر می‌کشد که از رویای معشوقه‌اش، با لیسیدن یک پلنگ بیدار می‌شود. این سبک و این حال‌وهوا وقتی با ادبیات فاخر میرباقری ترکیب شود، یک جا به دیالوگ معاویه هنگام شنیدن خبر قتل مالک اشتر توسط شربت مسموم عسل می‌رسد که می‌گوید «خدا را لشکریانی است از عسل که به مشیتش می‌کشند و به مشیتش زنده می‌کنند، و جای دیگر به مکالمات زندانه معاویه و عمروعاص می‌رسد.

می‌گویند وقتی داوود میرباقری پشت دوربین سریال امام علی (ع) رفت، یک جوان ۳۳ ساله بود و این عجیب است که به کسی با این سن وسال برای ساخت چنین پروژه‌ای اعتماد می‌شود. حالا که نزدیک به سه دهه از آن روزها می‌گذرد، اتفاقاً می‌توانیم نتیجه بگیریم که اگر کار را به جوانان نمی‌سپردند، یک راه جدید در فیلمسازی و سریال‌سازی ایران باز نمی‌شد

جادوی شیفتگی و راز ماندگاری

گذشته‌ها همه اینها، یک چیزی که معمولاً جزء معادلات تکنیکی برای سنجش فیلم‌ها و سریال‌ها قرار نمی‌گیرد، اما روی کیفیت ساخت سریال امام علی بسیار تاثیر گذاشته، علاقه تک‌تک عوامل به خود صاحب قصه، یعنی امام علی

است. مرحوم انوشیروان ارجمند، عنایت بخشی، بهزاد فراهانی، داریوش ارجمند و بسیاری از عوامل دیگر سریال امام علی، در مصاحبه‌های جداگانه‌ای گفته‌اند که دست‌مزد چندان‌اندکی برای بازی در این مجموعه دریافت نکرده‌اند و پذیرفتن کار، صرفاً به خاطر علاقه به موضوع آن بوده است. در سکانسی که عنایت بخشی در نقش یکی از خوارج، میان عده‌ای از پیروانش فریاد می‌زد: «ما روی علی شمشیر می‌کشیم»، بارها گریه امان او را برید، چون به کسی که در مقام یک بازیگر می‌گفت روی او شمشیر خواهد کشید، قلباً علاقه داشت؛ یا وقتی بهزاد فراهانی در شریعه صفین پرید تا شناسا کند، زیر آب به چیزی گیر کرد و با فریاد «یا علی»، جلوی دوربین سسر از زیر آب درآورد. این پلان تکرار نشد و همه ترجیح دادند به جای ضبط مجدد آن بدون جمله یا علی از زبان معاویه، سکانس را در پریدن او به آب تمام کنند. مرحوم علی آزاد در نقش ابن عباس برای رفتن به خیمه امیرالمؤمنین به پهنای صورت اشک می‌ریخت و نهایتاً وقتی وارد خیمه شد، دقایقی گذشت اما خبری از او نشد. وقتی عوامل داخل چادر شدند، دیدند که علی آزاد داخل چادر جان به جان آفرین تسلیم کرده است و صحنه‌های باقی مانده را فرد دیگری به جای آن مرحوم بازی کرد. کریم اکبری مبارکه می‌گفت، میرباقری می‌خواست صحنه ضربت خوردن امیرالمؤمنین را در شب قدر فیلمبرداری کند اما او گفته است که اگر این کار را بکنند، دیوانه می‌شود یا اینکه داریوش ارجمند می‌گفت حتی عوامل تدارکات هم ناخودآگاه در سکانس‌های جنگ صفین، فقط به لشکریان امام علی آب می‌دادند؛ طوری که آخر سسر اصغر همت، بازیگر نقش مروان حکم، فریاد زد ما فقط نقش امویان را بازی می‌کنیم، باور کنید از بنی‌امیه نیستیم. چنین حب و شیفتگی و علاقه‌ای نسبت به موضوع سریال که در تک‌تک عوامل آن وجود داشت، به‌طور قطع روی کیفیت کلی کار تاثیر ویژه‌ای گذاشته و روحی در آن دیده که با شاقول‌های تکنیکی قابل اندازه‌گیری نیست. سریال امام علی به شخصیت اصلی اش که حتی نام خود را از او وام گرفته بود، به لحاظ فیزیکی نزدیک نشد. میرباقری این اجازه رانداشت اما از همین محرومیت برای ایجاد یک خلایق شاعرانه استفاده کرد. شاید نشان دادن هر تصویری از امیرالمؤمنین، نتواند به اندازه‌ای که او در ذهن میلیون‌ها نفر بزرگ است، بزرگ باشد و همین دور ایستادن، در کل تدبیر بهتری بود. حضرت علی (ع) خودش درباره خودش می‌گوید: «کوه بلند را مانم که سیلاب از ستیغ من ریزان است و مرغ از پریدن به قله‌ام گریزان». و دوربین میرباقری هم مثل آبی که از آن آبشار می‌ریزد پرنده‌ای که از آن قله می‌جهد، به سمت شخصیت‌های مثبت و منفی آن دوران مثل مالک اشتر، جناب کندی، عمار یاسر و محمدن ابی‌بکر از یک سو و معاویه و عمروعاص و ولید و مروان حکم از سوی دیگر رفت. در این سریال زنان عمدتاً نقشی حاشیایی داشتند که این به دلیل تاریخی-سیاسی بودن مجموعه و نقش کم‌رنگ زنان در سیاست‌ورزی آن روزهای جهان عرب بود؛ اما میرباقری این کمبود را با یک «مف قاتال» تاریخی عرب به نام قطام جبران کرد؛ کسی که حتی با وجود دو برادر بزرگ‌تر از خودش، پدرش را به نام او با کنیه اباقطام خطاب می‌کردند.

راز ماندگاری ۶ شخصیت تاریخی سریال امام علی (ع)

مالک اشتر نخعی

بازی در نقش یکی از مریدان علی ابیطالب (ع)، آن هم در سریالی که عمده بار داریتیک قصه بر دوش این نقش است، کار دشواری نیست. داریوش ارجمند، بازیگر نقش مالک‌اشتر در این مورد گفته است: «اعتقاد دارم برای بازی در نقش «مالک اشتر» هم مبعوث شدم. هر کسی برای هر نقشی مبعوث می‌شود، به شرطی که قدر آن را بداند و بفهمد. کار آسانی نبود نقش مالک‌اشتر را بازی کنم.» گفته می‌شود میرباقری دوست داشت مرحوم محمدعلی فردین، بازیگر قدیمی سینمای ایران، این نقش حساس را بازی کند و اتفاقاً فردین هم بازی در این نقش را پذیرفته بود. بهزاد فراهانی، بازیگر از عوامل این سریال در این مورد گفته است: «فردین حتی این جمله را گفت که مثل اینکه خداوند می‌خواهد من را عاقبت به خیر کند. با این حال آن زمان وزارت ارشاد به او مجوز فعالیت نداد و برای این نقش سراغ داریوش ارجمند رفتیم که او هم گزینه خوبی بود. دیدیم که خیلی هم خوب بازی کرد.» جنگاوری و ولایت‌مداری مالک‌اشتر از جمله جاذبه‌های این نقش بود که بخشی از آن در این سریال و در صحنه‌هایی از نبرد صفین به‌تصویر کشیده شد. میرباقری علاقه خاصی به پرداخت دقیق این شخصیت تاریخی دارد و سال‌ها بعد هم در سریال «مختارنامه»، شخصیت ابراهیم بن مالک‌اشتر را طراحی کرد.

ابن ملجم مرادی

گفته می‌شود قرار بود مرحوم خسرو شکیبایی این نقش را ایفا کند و حتی تستت گرم هم شده بود. هیچ‌گاه شکیبایی در این مورد صحبت نکرد و هیچ‌وقت هم گفته نشد که چرا قرعه این نقش به نام دیگری افتاد. اما کریم اکبری مبارکه، بازیگر نقش ابن ملجم درباره چگونگی ایفای این نقش در سریال امام‌علی (ع) گفته است: «پیش از تولد، روزی داوود میرباقری مرادید و گفت کریم‌ریش هایت رانزن که برای بازی در یک نقش تورا با همین چهره می‌خواهم. من آن زمان سسر صحنه فیلمبرداری «مسافران مهتاب» بیضایی بودم و وقتی کار تمام شد، تا ۶ ماه ریش خود را اصلاح نکرده بودم و بسیار زیاد شده بود. روزی در اداره تئاتر لیستی از اسم‌های بازیگران نوشته شده بود و برای سریال «امام‌علی (ع)» دعوت شده بودم. را خود با کلاه سریال میرباقری عوض شده است، چون به دلیل داشتن چشمان آبی برای سریالی عربی مناسب نیستم. یک ماه از این فراخوان گذشت که روزی اسمم را روی تابلوی اعلانات اداره تئاتر دیدم. به دفترش رفتم و میرباقری گفت اولین شخصی که به او گفته بودی، آن وقت الان باید بیایی؟ سپس کتاب‌هایی را به من معرفی کرد. هفت جلد کتاب را خواندم و سپس میرباقری گفت نقش ابن ملجم را باید بازی کنی.»

ولید بن عقبه

ولیدبن عقبه، برادر تانتی عثمان بن عفان بود و ایفای این نقش در قسمت‌های ابتدایی این سریال اهمیت زیادی داشت. طراحی شخصیت ولید معطوف به یک نقش تاریخی نیست، بلکه نمادی از یک وضعیت در دوره تاریخی سال‌های آخر خلافت عثمان است. میرباقری می‌دانست که پرداخت دقیق این شخصیت، ریشه خیلی از اختلافاتی را که در آن دوره بین جامعه اسلامی افتاده بود، بهتر نشان می‌داد. محمدرضا شریفی‌نیا که پیش از این در تئاتر و پشت صحنه سینما و تلویزیون فعال بود، به‌خوبی توانست نقش مردی تن‌پرو و عباس‌را بازی کند. یکی از مهم‌ترین سکانس‌های این سریال که در خاطره‌ها مستی در مسج کوفه خواند. محمدرضا شریفی‌نیا در سریال امام‌علی (ع) هم مسئول سوارکاری اسب‌ها بود، هم عکاس، هم گرافیست تیزتر از به‌صورت اتفاقی برای ایفای نقش «ولید» انتخاب شد. محمد بیگ‌زاده، تهیه‌کننده سریال امام‌علی (ع) در جایی گفته است: «رضا شریفی‌نیا آن موقع فقط دستیار میرباقری بود. اتفاقاً ما برای نقش ولید به گزینه نمی‌رسیدیم و رضا همین‌طور داشت زبان می‌ریخت. یک‌دفعه با همان لحن شوخی گفتم این فلان فلان شده خود ولید است. گرمش که کردیم، دیدیم واقعا خودش است!»

قطام

حرف‌و‌حدیث در مورد اینکه چه کسی قرار بوده بازیگر نقش قطام باشد، زیاد است. حتی از دو بازیگر زن پیش از انقلاب هم نام برده شده است. میرباقری، طراحی خاصی برای مهم‌ترین زن سریالش در نظر گرفته بود. اگرچه میرباقری برای فضاسازی قسمت‌های پایانی سریال، در کنار نقش ابن ملجم، زن اغواگری همچون قطام را قرار داده بود، اما این نقش معطوف به پایان سریال نبود و در سیر داستان هم حضوری مؤثر داشت. ویشکا آسایش، بازیگر نقش قطام توسط دایه اش مازیار پرتو که مدیر فیلمبرداری سریال بود، برای بازی در سریال به داوود میرباقری معرفی شد. او در این باره گفته است: «یک روز در خانه، مشغول گپ زدن با دایه بودم که ایشان به من گفتند: «ویشکا! ما در حال انتخاب بازیگر برای سریال امام‌علی (ع) هستیم، دوست داری بازی کنی؟» من هم چون فکر کردم دایه من را دست‌انداخته، باخنده گفتم: «البته!» خلاصه من برای تست گرم به پشت‌صحنه کارفتم و تست دادم و شوخی‌شوخی برای این نقش انتخاب شدم! تا آخرین لحظه‌ای که جلوی دوربین قرار نگرفته بودم، فکر می‌کردم یکی می‌آید و به من می‌گوید خانم ما شکر را دست‌انداختیم! اما در کمال تعجب، هیچ‌کس این حرف را به من نزد و من یکی از مهم‌ترین نقش‌هایم را در آن کار بازی کردم!»

معاویه

در تلویزیون، دو نفر نقش معاویه را بازی کردند؛ یک بهزاد فراهانی برای سریال امام‌علی (ع) و دیگری اکبر زنجان‌پور در سریال امام‌حسن (ع). به‌رغم اینکه زنجان‌پور بازیگر توانایی است و به‌خوبی از پس نقش خود برآمده، اما آنچه در یاد و خاطر اکثر مخاطبان مانده، همین معاویه‌ای است که در سریال امام‌علی (ع) می‌بینیم. بهزاد فراهانی، بازیگر این نقش گفته است: «سریال امام‌علی (ع) چیزهایی داشت که بارها درباره‌اش گفته‌ام. یادش خوش من و مهدی فتحی قرار بود در آن سریال بازی دیگری داشته باشم؛ نه بازی‌ای که در گذشته انجام داده بودیم. فکر کرده بودیم که چون بزرگانی از تاریخ سینما کار مذهبی کرده‌اند، ما اگر انجام می‌دهیم، خیلی سخت‌نیا شد. برای همین قرار کرده بودیم که مترمان در بازی، بازیگران قدر سینمای جهان باشند. قبلش بازی آنتونی کوئین در فیلم محمد رسول‌الله را دیده بودیم. می‌خواستیم خیلی کم‌نیاریم و برای همین دوتایی باهم خیلی کلنجار رفتیم که خوب‌بازی کنیم. فکر می‌کنم نقش‌هایی که از پیش تعیین شده هستند، دلنشین نیستند. ما وقتی می‌دانیم فلان شخصیت تاریخی خیلی دلپذیر بود، این مورد هم در ذهن مردم روشن است و برای همین تعیین شده است. اما وقتی می‌گوییم مثلاً «معاویه» نقشی هزارتو است، ایفای چنین نقش‌هایی دلنشین‌تر هستند.»

عمرو عاص

یکی از ستاره‌های این مجموعه تلویزیونی بازی ماندگار و بی‌شمال مرحوم مهدی فتحی در نقش عمروعاص است؛ کاراکتر منفی و منفور تاریخ اسلام که با بازی ابن بازیگر توانمند و صاحب‌سبک به یک امضا در شخصیت‌های تاریخی درآمد. مهدی فتحی در ایفای این نقش تمام آموخته‌های تئاتری و بازیگری‌اش را به کار بست تا این شخصیت در جایگاه خودش نمایشی منفور داشته باشد، اما به یک‌الگو در بازیگری سینما و تلویزیون ایران در ایفای یک نقش منفی تبدیل شود. مهدی فتحی ابتدا قرار بوده نقش دیگری را در این سریال بازی کند، ولی میرباقری را برای بازی در نقش عمروعاص مجاب می‌کند. فتحی در این باره گفته است: «دل‌نمی‌خواست این شخصیت منفی تاریخی تاحدی منفور باشد که تمام لحظات تخت دیده شود. من در نمایش وجوه مختلف این شخصیت با داوود میرباقری مشورت داشتم و او نیز فیلمنامه را آتقدر خوب و منسجم نوشته بود که هرکدام از دیالوگ‌های این شخصیت برای خودش جای بازی داشت.» جالب آنکه نقش امام‌علی (ع) را هم در سکانس‌هایی که از پشت یا نماهای بسته دست‌ها یا پاها را می‌گرفتند، مرحوم مهدی فتحی بازی کرده است؛ کسی که در بسیاری از سکانس‌ها در نقش عمروعاص در حال دسیسه‌چینی علیه امام‌علی (ع) بود.